

# مکتب در فرایند تکامل

نظری برتطورمبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین

ویرایش جدید

سید حسین مدرّسی طباطبائی

ترجمه هاشم ایزدپناه

## فهرست

- مقدمه مؤلف بر ویرایش جدید ..... ۷  
پیشگفتار
- درگیری در چند جبهه، تشیع در نبردی سرنوشت‌ساز ..... ۲۵  
بخش اول
- حقوق و مسئولیت‌ها: تکامل مفهوم امامت در بُعد سیاسی و اجتماعی. ۲۷  
بخش دوم
- غلو، تقصیر، و راه میانه: تکامل مفهوم امامت در بُعد علمی و معنوی . ۵۵  
بخش سوم
- بحران رهبری و نقش راویان حدیث ..... ۱۰۹  
بخش چهارم
- مناظرات کلامی و نقش متکلمان ..... ۲۰۱

۱. رسالهٔ ابن قبه در پاسخ معتزله .....	۲۴۱
۲. رسالهٔ یکی از طرفداران جعفر کذاب و پاسخ ابن قبه به آن .....	۲۴۷
۳. رسالهٔ ابن قبه در پاسخ زیدیه .....	۲۶۱
۴. بخش پایانی کتاب التنبیه ابوسهل نوبختی .....	۳۰۳
۵. بخش مربوط به غیبت از کتاب المقالات والفرق سعدبن عبدالله اشعری ..	۳۱۱
۶. خاندان‌های حکومتگر شیعی در بغداد در اواخر غیبت صغری .....	۳۱۹
منابع اسلامی .....	۳۴۳
منابع خارجی .....	۳۸۱
نمایه .....	۳۸۵

## حکایت این کتاب

مقدمهٔ مؤلف بر ویرایش جدید

بیست و هشت سال پیش، امواج ایجادشده از پیروزی سریع و غیرمنتظرهٔ انقلاب اسلامی در ایران به سرعت برق از مرزهای ایران گذشت و بر روحیه و بینش جوامع دور و نزدیک، اثری شگرف نهاد و در نیروهای مردمی در بخشی بزرگ از جهان که از ستم و فساد و استبداد و پامال شدن ارزش‌های معنوی و مذهبی خود به جان آمده بودند شوری بزرگ آفرید و الهام‌بخش و راهگشا و پیام‌آور امید شد.

نیروهای اهریمنی جهانی و منطقه‌ای که همهٔ مصالح خود را ناگهان در خطر دیدند برای خنثی ساختن اثری که آن رویداد نهاده و مهارکردن شور و انرژی عظیمی که آفریده بود به تلاش افتادند. در این راه «ضد حمله» را از دو جبهه آغاز کردند که یکی تخریب انقلاب را از داخل نشانه می‌گرفت و دیگری بر تخریب چهرهٔ بیرونی آن همت گمارده بود. تحدید و توصیف انقلاب اسلامی به انقلاب شیعی و سپس تلاش در زشت جلوه‌دادن چهرهٔ

موضوع دوستی خاندان پیامبر(ص) پدیده‌ای قدیم است و به روزگار خود آن حضرت بازمی‌گردد. در میان اصحاب و یاران آن حضرت کسانی بودند که به خاندان او مهر می‌ورزیدند. براساس روایات تاریخی، پس از درگذشت پیامبر(ص) که موضوع جانشینی ایشان مورد اختلاف نظر قرار گرفت همین افراد از صحابه، براساس نصّ و دستور صریح آن حضرت، از احقیّت خاندان طهارت که نماینده و سردسته آنان علی بن ابی طالب (ابن عمّ و همسر دختر محبوب پیامبر، فاطمه زهرا) بود سخن گفته و از آن امام بزرگوار به‌عنوان شایسته‌ترین نامزد خلافت جانبداری کردند. هرچند این نظریه و نظریه انصار که تقسیم خلافت را میان مهاجرین و انصار پیشنهاد می‌کرد مآلاً طرفی نبست و قریش، قبیله پرنفوذی که پیامبر نیز بدان وابسته بود، سرانجام توانستند یکی از معمرین و مقدّمین خود را از یک سلسله دیگر به‌عنوان خلافت بر مسند قدرت و ریاست بنشانند. امام علی(ع) عاقبة الامر در مقام استحقاق خود قرار

گرفت اما پس از ۲۵ سال، آن هم تنها برای مدتی کمتر از ۵ سال. آن حضرت در سال ۴۰ هجری به شهادت رسید. با شهادت او و عدم توفیق خلافت کوتاه مدت فرزندش امام حسن مجتبی (ع)، زعامت و قدرت سیاسی از خاندان پیامبر به دودمان اموی که تا سال‌های واپسین زندگی پیامبر از سرسخت‌ترین دشمنان آن حضرت بودند منتقل شد.

تجمع و حلقه طرفدارانی که به خصوص از روزگار عثمان گرد امام علی (ع) جمع شده بودند در طول سال‌های خلافت کوتاه مدت و بسیار پارسایانه او گسترش فراوان یافت. در دوره خلافت معاویه (سال‌های ۴۱-۶۰ هجری) گروه پیروان علی (ع) به صورت یک جمعیت مشخص در اجتماع اسلامی شناخته و ممتاز بودند که به سختی وسیله حکومت مورد تعقیب و تهدید و آزار قرار می‌گرفتند. این گروه در طی رویدادهای بعدی آن دوره از تاریخ اسلام مانند قیام و شهادت امام حسین (ع) در سال ۶۱، نهضت توّابین در سال‌های ۶۴-۶۵، و قیام مختار ثقفی در کوفه در سال‌های ۶۶-۶۷ به شکل یک جمعیت فعال ضد دولتی که طرفدار حقوق اهل بیت به عنوان رهبران قانونی جامعه اسلامی بود متحول و ممتاز گردید<sup>۱</sup> و سرانجام به عنوان یکی از دو مذهب اصلی در دین اسلام شناخته شد.

جنبش تشییع، با این همه، تا پایان قرن اول هجری جز در گرایش یادشده در بالا که نوعی گرایش سیاسی ضد نظام موجود دانسته می‌شد راه خود را از سواد اعظم جامعه مسلمان جدا نکرده بود. اما به مرور از اوایل قرن دوم که مکاتب حقوقی و فقهی اسلامی روبه شکل گرفتن نهاد

۱. درباره شکل تشییع در این دوره در مصادر اولیه اسلامی نگاه کنید به نامه هشام بن عبدالملک به والی خود در کوفه در تاریخ طبری ۱۶۹:۷، و رساله حسن بن محمد ابن حنفیه در باب ارجاء: ۲۴.

مکتب تشییع هم به تدریج به صورت یک مکتب حقوقی مشخص و متمایز درآمد که بیشتر اعضای آن از تعالیم و نظرات فقهی دانشمندترین فرد خاندان پیامبر در آن زمان، امام محمد باقر (ع) پیروی می‌کردند.<sup>۱</sup> طولی نکشید که با شدت گرفتن بحث‌های کلامی در جامعه اسلامی و پیدایش مکاتب مختلف کلامی، مکتب تشییع هم ناچار از اتخاذ مواضع خاص در مباحث مختلف کلامی شد که در این باب نیز عمدتاً پیروی از مواضع امام باقر (ع) و فرزند او امام جعفر صادق (ع) می‌نمود. نتیجتاً وقتی انقلاب عباسی در سال ۱۳۲ بساط یک قرن حکومت اموی را درهم نوردید تشییع به صورت یک نظام کامل و مستقل سیاسی، فقهی و کلامی در صحنه جامعه اسلامی حضور غیرقابل انکار یافته بود.

\*\*\*

پس از شهادت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، دو فرزند او از فاطمه زهرا - امام حسن و امام حسین - مرکز و محور بی‌منازع عوطف و پیروی هواداران خاندان عصمت و طهارت که خلافت را حق الهی آنان می‌دانستند بودند. پس از درگذشت آن دو امام، فرزند امام حسین: زین العابدین علی بن الحسین (ع) در نظر اکثریت جامعه اسلامی به عنوان رئیس و بزرگ خاندان پیامبر شناخته می‌شد. تنها فرقه انحرافی و افراطی

۱. در این باره به خصوص نگاه کنید به حدیثی از امام صادق (ع) در رجال کشی: ۴۲۵ که در آن آمده است: «كانت الشيعة قبله (یعنی امام باقر که در سطر قبل آن حدیث از وی سخن رفته است) لا يعرفون ما يحتاجون اليه من حلال و حرام الا ما تعلموا من الناس حتى كان ابو جعفر ففتح لهم و بين لهم و علمهم». همچنین تفسیر عیاشی ۲۰۲:۱-۲۰۳ که در حدیث مشابهی آمده است: «كانت الشيعة قبل ان يكون ابو جعفر و هم لا يعرفون مناسك حجهم ولا حلالهم و حرامهم ولا حرامهم حتى كان ابو جعفر ففتح لهم و بين مناسك حجهم و حلالهم حتى استغنوا عن الناس و صار الناس يتعلمون منهم بعد ما كانوا يتعلمون عن الناس».

فرزند ارشد) امام پیشین را به‌عنوان امام می‌پذیرفتند. عقیده عام آن بود که هر امام، جانشین خود را از میان پسران خویش با وصیت که گاه نص خوانده می‌شد به امامت منصوب می‌کند. مآلاً سلسله امامان — با یک استثناء در مورد امام دوم و سوم که برادر بودند — براساس اراده الهی در یک شجره پدر و فرزند قرار گرفت.

\*\*\*

منابع فقهی و کلام اسلامی منصب امامت را به‌صورت «ریاست عالیّه بر امور دین و دنیا» تعریف کرده‌اند. امام بدین ترتیب رهبر جامعه اسلامی، جانشین پیامبر اسلام (ص)، و سرپرست تمامی امور دینی و اجتماعی مسلمانان است. موضوع احقیّت امیرالمؤمنین علی (ع) نسبت به این مقام، دست کم از روزگار عثمان خلیفه سوم رسماً به‌وسیله طرفداران حضرتش علیه خلیفه شاغل مطرح می‌شد. در اعصار بعدی بسیاری از مسلمانان، از جمله بسیاری از هواداران سنت،<sup>۱</sup> معتقد بودند که ائمه اهل بیت احق از خلفاء همزمان خود نسبت به مقام خلافت بوده‌اند. شیعیان اعتقاد داشتند که هر وقت شرایط و مقتضیات فراهم شود و زمان مناسب فرا رسد امام آن دوره شمشیر برگرفته و قیام خواهد کرد و غاصبین مقام خلافت را رانده، حق تزییع شده خود را بازپس خواهد گرفت.<sup>۲</sup> معمولاً شیعیان در هر دوره امید داشتند که این موضوع در روزگار آنان روی

کیسانیه که مرکب از هواداران مختار ثقفی در کوفه بود<sup>۱</sup> فرزند سومی از امام علی (ع): محمدابن الحنفیه را به‌عنوان رهبر معنوی و روحانی خود اعلام کرد. این فرقه تا اواخر قرن دوم بیشتر در صحنه جامعه اسلامی دوام نیاورد و پس از آن ناپدید شد. پس از امام زین‌العابدین، فرزندش امام محمد باقر (ع)<sup>۲</sup> و سپس فرزند وی امام جعفر صادق (ع) از طرف اکثریت بزرگ جامعه اسلامی به‌عنوان رئیس و بزرگ خاندان پیامبر شناخته شده و به این عنوان مورد احترام و علاقه همه بودند.<sup>۳</sup> در زمان امام صادق (ع) یک تقسیم دیگر، جامعه شیعه را به دو بخش زیدی و جعفری تقسیم کرد. جعفریان بعداً به‌عنوان شیعیان امامی شناخته شدند.

پس از درگذشت امام صادق (ع)، اکثریت پیروان وی به‌صورت یک روش مستمر هواره برگزیده‌ترین فرد از میان بازماندگان ذکور (معمولاً

۱. درباره این فرقه به‌خصوص نگاه کنید به ماده کیسانیه در دائرةالمعارف اسلام به زبان انگلیسی، از ویلفرد مادلونگ (چاپ جدید ۴: ۸۳۶-۸۳۸) و کتاب دادالفاسی: الکیسانیه فی التاریخ والادب (چاپ بیروت ۱۹۷۴).

۲. البته بسیاری از شیعیانی که در آن دوره گرد امام باقر (ع) بودند با مفهوم امامت به شکل واقعی آن آشنا نبوده و ایشان را امام معصوم منصوب نمی‌دانستند ولی به‌هرحال، خلافت را حق خاندان پیامبر می‌دانستند و ایشان را بزرگ و رئیس آن خاندان می‌شناختند. چنین متفاهم از تشیع در آن روزگار بسیار شایع بود.

۳. موضوع تسلسل ریاست خاندان پیامبر و شناسایی جامعه از آن به شرح بالا به‌خوبی در یک سند غیر قابل تردید تاریخی از نیمه اول قرن دوم منعکس شده است: نامه خلیفه دوم عباسی منصور (۱۳۶-۱۵۸) به محمدبن عبدالله بن الحسن معروف به نفس زکیه (مقتول ۱۴۵) که متن آن در العقدالفرد ابن عبد ربّه ۵: ۸۳-۸۲ و کامل میرد ۴: ۱۱۹ و تاریخ طبری ۷: ۵۶۹-۵۷۰ آمده و در اصالت آن کسی تردید نکرده است. خلیفه عباسی در آن نامه که در زمان حیات امام صادق نوشته شده چنین می‌گوید: «و ما ولد منکم بعد وفاة رسول الله افضل من علی بن الحسن... و هو خیر من جدک حسن بن حسن، و ما کان فیکم بعده مثل ابنه محمد بن علی... و هو خیر من اییک. ولا مثل ابنه جعفر، و هو خیر منک» (برای حضرت سجّاد و حضرت باقر و مقام غیر قابل بحث آن دو بزرگوار از نظر جامعه اسلامی آن عصر همچنین نگاه کنید به قرب‌الاسناد: ۱۳۲).

۱. به‌عنوان یک نمونه مراجعه کنید به سیر اعلام النبلاء از ذهبی ۱۳: ۱۲۰ که می‌گوید امام حسن، امام حسین، امام زین‌العابدین و امام باقر همه شایسته و جامع شرایط خلافت بودند. «و كذلك جعفر الصادق کبیر الشان من ائمة العلم، کان اولی بالامر من ابی جعفر المنصور، و کان ولده موسی کبیر القدر جید العلم اولی بالخلافة من هارون». نیز نگاه کنید به کتاب السنه خلال ۲۳۸:۱.

۲. ببینید رساله حسن بن محمد ابن حنفیه را در باب ارجاء: ۲۴.